



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

جایگاه حکمت در مدینه فاضله از منظر افلاطون و فارابی

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر یارعلی کرد فیروزجایی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر محسن رضوانی

نگارش:

محمد صادق تقی زاده طبری

خرداد ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

این اثر را به فقیه عالیقدر، استادگرانمایه و بزرگوارم حضرت آیه الله محمدی (حفظه الله) تقدیم می‌دارم که در راه اعتلای کلمه حق، سالیان متمادی زحمتهای فراوان و رنج‌های بسیاری متحمل شده‌اند تا زمینه را برای ظهور آن تجلی اتم و اکمل حکمت بر روی زمین، حاکم علی الإطلاق معموره فاضله موعود، حضرت بقیه الله الأعظم (روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) فراهم آورند.

تقدیر و شکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق.»

خدای وجود آفرین را سپاس که هر گونه سپاسگذاری از او مستلزم شکری دیگر است. او را سپاس که حکمت حقیقی از چشمه سار وحی او و به واسطه رسولان او بر افق تفکر بشر پرتو افکند. و سلام و درود به محضر مقدس ائمه اطهار (علیهم السلام).

از اساتید گرانقدر حضرت حجه الإسلام دکتر فیروزجایی و حجه الإسلام دکتر رضوانی که با دقتی ستودنی زحمت راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشتند، و نیز حجه الإسلام کردی لواسانی مدیریت محترم مجتمع شهید صدوقی (ره) صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

امتنان قلبی‌ام همواره نثار پدرم، استاد ابراهیم تقی‌زاده طبری است که نصایح حکیمانه‌شان افق‌های تازه‌ای به رویم گشود و نیز از دعا‌های خالصانه مادر مهربانم که همیشه قوت قلبم بوده‌اند و همچنین از نکات راهگشای برادرم، دکتر اباصالح تقی‌زاده طبری تشکر می‌کنم.

بدون شک از حسن مرافقت و همراهی همسر فهیم و عزیزم که در همه مراحل خصوصاً تدوین و به ثمر رساندن این رساله، یار و مددکار و هم‌فکر بوده، نیز در جهت ویراست نهایی این نوشتار، زحمات زیادی متحمل شده‌اند، صمیمانه سپاسگذارم.

چکیده

انسان به عنوان موجودی که دارای سرشتی اجتماعی بوده و ذاتاً به دنبال سعادت و کمال است نیازمند بستری مطلوب برای نیل به اهداف عالیه خود می باشد.

جامعه در پرتو حکمت بهترین زمینه برای ظهور و بروز استعدادهای بالقوه در انسان است تا بتواند با به فعلیت رساندن آن قوا به کمالات والای انسانی دست یابد. افلاطون به عنوان نخستین فیلسوف با طرحی نوین در قالب آرمان شهر و جامعه فاضله در این عرصه گام نهاد. پس از او نیز فارابی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی با بهره گیری از منابع وحی و تعالیم دین مبین اسلام در جهت اعتلای مقامات انسانی، ایده مدینه فاضله را مطرح کرد. هر دو فیلسوف با بیان اینکه تنها از راه جامعه حکمت محور می توان به سعادت حقیقی دست یافت، شرط اساسی و بنیادین تشکیل چنین اجتماعی را حاکم حکیم و زمامدار فیلسوف می دانند.

در حقیقت آن چه در منظومه فکری این دو پیشگام در طرح مدینه فاضله ضرورت پیدا می کند، زیستن در پرتو حکمت و حکومت حکیم است که موجبات سیر صعودی و در نهایت وصول به قله کمال را فراهم می آورد. از این رو نوشتار حاضر به تبیین و توضیح جایگاه حقیقی حکمت در مدینه فاضله افلاطون و فارابی پرداخته است.

کلید واژه ها: حکمت، مدینه فاضله، اجتماع، حاکمان، شهروندان، افلاطون، فارابی

فهرست مطالب

۱	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲	گفتار اول: طرح تفصیلی
۲	بیان مسئله:
۳	اهمیت و فایده تحقیق:
۴	سابقه تحقیق:
۴	اهداف تحقیق:
۴	سؤالات اصلی و فرعی تحقیق:
۴	سؤال اصلی:
۵	سؤالات فرعی:
۵	فرضیه‌های تحقیق:
۵	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:
۶	گفتار دوم: معرفی مختصر افلاطون
۶	دوره اول: دوره حیات سقراط
۷	دوره دوم: پس از مرگ سقراط
۷	دوره سوم: بازگشت به آتن
۸	آثار افلاطون
۱۰	گفتار سوم: معرفی مختصر فارابی
۱۳	گفتار چهارم: مفهوم شناسی
۱۳	بخش اول: حکمت و فلسفه
۱۳	ریشه اصلی حکمت نزد لغویون:
۱۴	واژه حکمت
۱۵	حکمت و فلسفه:

۱۷	مدینه فاضله
۲۰	فصل دوم: مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون و فارابی
۲۱	گفتار اول: مدینه فاضله (چیستی، هدف، وظایف)
۲۱	بخش اول: چیستی و ماهیت مدینه فاضله
۲۸	بخش دوم: هدف مدینه فاضله
۲۸	دیدگاه افلاطون:
۲۹	دیدگاه فارابی:
۳۰	الف) کمال:
۳۰	ب) سعادت:
۳۱	ج) فضیلت:
۳۲	د) خیر:
۳۳	بخش سوم: وظائف مدینه فاضله
۳۵	گفتار دوم: اقسام مدینه فاضله و غیر فاضله
۳۵	دیدگاه افلاطون:
۳۶	آریستوکراسی
۳۶	تیموکراسی
۳۸	الیگارشی
۳۸	چگونگی انتقال نظام تیموکراتی به نظام الیگارشی
۳۹	سیرت خاص و عیب‌های این نوع حکومت
۴۰	دموکراسی
۴۰	چگونگی تحول نظام الیگارشی به نظام دموکراسی
۴۱	صفات مشخصه حکومت دموکراسی
۴۲	استبداد

- ۴۲ چگونگی پیدایش فرد مستبد
- ۴۳ صفات فرد مستبد
- ۴۴ صفات جامعه مستبد
- ۴۹ دیدگاه فارابی:
- ۵۳ ۱. حکومت فردی:
- ۵۳ ۱/۱. ریاست اولی:
- ۵۳ ۲/۱. ریاست تابعه مماثل
- ۵۴ ۳/۱. ریاست سنت:
- ۵۴ ۲. حکومت جمعی:
- ۵۴ ۱/۲ - ریاست رؤسای سنت:
- ۵۵ ۲/۲ - ریاست رؤسای افضل:
- ۵۷ **گفتار سوم: طبقات اهل مدینه فاضله**
- ۵۷ دیدگاه افلاطون:
- ۶۰ دیدگاه فارابی:
- ۶۱ ۱ - افضل
- ۶۲ ۲. حمله الدین و ذووالأسنة
- ۶۴ ۳. مقدرون
- ۶۵ ۴. مالیون
- ۶۶ ۵. مجاهدون
- ۶۷ **گفتار چهارم: رئیس مدینه فاضله (اوصاف و شرایط)**
- ۶۹ دیدگاه افلاطون:
- ۷۱ دیدگاه فارابی:
- ۷۱ نوع اول رهبری: رئیس اول

۷۳ نوع دوم رهبری: ریاست تابعه مماثل
۷۳ نوع سوم رهبری: ریاست سنت
۷۵ نوع چهارم رهبری: رؤسای سنت
۷۵ نوع پنجم رهبری: رؤسای افاضل
۷۶	فصل سوم: نقش حکمت در مدینه فاضله افلاطون و فارابی
۷۷	گفتار اول: چیستی و اقسام حکمت
۷۷ ۱. تعریف حکمت
۷۹ ۲. اقسام حکمت
۷۹ ۱/۲. تعریف حکمت نظری و عملی
۸۱ ۲/۲. اقسام حکمت نظری و عملی
۸۱ الف: حکمت نظری
۸۳ ب: حکمت عملی
۸۶ ۳/۲. فرق حکمت نظری و عملی با عقل نظری و عملی
۸۷	گفتار دوم: حکمت و حاکمان
۸۷ حکمت و حاکمان از منظر افلاطون
۸۹ تمثیل غار افلاطون
۹۲ دوره‌های مختلف تربیتی برای رسیدن به زمامداری جامعه
۹۵ حکمت و حاکمان از منظر فارابی
۹۸ فرق تعقل و حکمت
۹۹ اقسام تعقل
۱۰۱ تشبیه رئیس مدینه به طیب
۱۰۴	گفتار سوم: حکمت و شهروندان مدینه فاضله
۱۰۴ حکمت شهروندان از منظر افلاطون

۱۰۸.....	حکمت و شهروندان از منظر فارابی
۱۰۸.....	حکمت نظری شهروندان
۱۰۸.....	آراء در اشیاء نظری
۱۰۹.....	آراء در اشیاء ارادی
۱۱۰.....	حکمت عملی شهروندان
۱۱۱.....	نقش اساسی شهروندان
۱۱۳.....	بررسی مقایسه‌ای شهروندان مدینه فاضله افلاطون و فارابی
۱۱۵.....	بررسی تحلیلی حکمت از منظر افلاطون و فارابی
۱۲۲.....	خاتمه و جمع‌بندی
۱۳۰.....	منابع و مأخذ

فصل اول: مفاهيم و کلیات

گفتار اول: طرح تفصیلی

بیان مسئله:

هدف بشر رسیدن به سعادت و کمال جاودانه است. اما تشخیص صحیح اینکه چه اعمال و رفتاری در زندگی، اسباب رسیدن به آن اهداف عالی را فراهم می‌آورد و نیز عمل بر طبق آن، نیازمند فضائی مطلوب در جامعه است. این مسئله باعث شد که برخی از متفکران اعصار مختلف که در واقع به نوعی مسئولیت سنگین را بر دوش خود احساس کرده‌اند، نظریه‌های مختلفی را درباره جامعه مطلوبی که در آن سعادت بشر تامین می‌شود، ارائه دهند.

در توضیح باید گفت اندیشمندان پیشامدرن در یک نکته اشتراک نظر داشته‌اند و آن نگاه هنجاری و ایده‌آلی به اداره جامعه و اندیشه بشری بود. بنابراین آثار آن‌ها غالباً جهت‌تجویزی در راستای اعتلای زندگی فعلی انسان‌ها داشته است. همین نوع تفکر باعث می‌شد اندیشه مدینه فاضله در آراء برخی اندیشمندان بزرگ کهن اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. اندیشه مدینه فاضله مشعر به مسائلی بود که فیلسوف در آن چگونگی دست پیدا کردن کلیت اجتماع به تعالی و کمال را بررسی می‌نمود.

اما در این راستا شاید بتوان مهم‌ترین افرادی را که نظریه‌پردازی کرده‌اند، در تاریخ کهن غرب و کهن اسلام، افلاطون و فارابی دانست که هر دو بواسطه آراء فلسفی و نوع نگاه خود به جامعه، تاثیرات شگرفی را در حوزه‌های مختلف اندیشه بشری خصوصا در دو حوزه تمدنی غرب و اسلام بر جای نهادند.

نکته بارز و شاخصی که در اندیشه مدینه فاضله در آثار این دو پیشگام در طرح مدینه فاضله اهمیت می‌یابد، نوع اندیشیدن و چگونگی تجویزهای آن‌دواست که موجب تفاوت اندیشه آن‌ها با دیگران می‌شود. نگاه حکمی و فلسفی افلاطون و فارابی است که تجلی کامل آن در قالب رهبری جامعه نمود می‌یابد. در واقع می‌توان گفت حکمتی که رهبر مدینه فاضله حامل آن است، در جهت‌دهی به اقتضائات جامعه، مفهوم خیر در زمان و وصول به آن در جامعه، نقش اساسی ایفا می‌کند. حکمت سبب می‌گردد فیلسوف در عین استغراق در دنیای نظری خود و اندیشه در باب اصول بنیادین، همواره پلی به جامعه خویش زده و دغدغه وضعیت مطلوب انسان‌ها را نیز داشته باشد. در این جهت تحقیق حاضر سعی دارد جایگاه حکمت را به عنوان نقطه ثقل در مدینه فاضله این دو فیلسوف بررسی نماید.

اهمیت و فایده تحقیق:

۱. به کار گرفتن ظرفیت‌های اندیشه فلسفی جهت بارور نمودن اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی
۲. از آنجا که جوامع بشری برای رسیدن به سعادت و کمال حقیقی نیازمند مبانی نظری و حکمی از جانب بزرگان اندیشه می‌باشند، پژوهش حاضر از این جهت پر اهمیت خواهد بود که می‌تواند طرح‌های مهمی را که در چارچوب اندیشه غرب و اسلام در این باب ترسیم شده است، به صورت مقایسه‌ای به تصویر کشد.

سابقه تحقیق:

بررسی مدینه فاضله در نوشتارها و تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است و این به دلیل اهمیت این نوع اندیشه در تاریخ فلسفی و اجتماعی است. البته بیشتر تحقیقات انجام شده در این راستا را می‌توان در آثار کسانی دید که در حوزه سیاست و نه در حوزه فلسفه تحلیل کرده‌اند. در واقع نگرشی که به منظومه فکری افلاطون و فارابی در طراحی مدینه فاضله شده، نوعاً صبغه سیاسی داشته و کمتر از منظر حکمی و فلسفی به این موضوع پرداخته شده است. این امر شاید بدین دلیل بوده است که بحث از شهر و ساختار حکومتی و روابط حاکمان و مردم، در بدو امر، جنبه سیاسی آن را بیش از حیث فلسفی به ذهن متبادر می‌نماید. از این رو در تحقیق حاضر سعی بر این است مدینه فاضله به بستر متناسب و مطابق خود که زمینه‌ای فلسفی و حکمی است، برگردد. لذا در این بحث، جایگاه حکمت در مدینه فاضله افلاطون و فارابی که کمتر مورد مذاقه بوده است، مطالعه و بررسی خواهد شد.

اهداف تحقیق:

۱. باز نمودن راهی جهت عینیت بخشیدن به مباحث انتزاعی - فلسفی در ساحت سیاست و

اجتماع

۲. نشان دادن اشتراک و تفاوت افلاطون و فارابی در موضوع تحقیق

سؤالات اصلی و فرعی تحقیق:

سؤال اصلی:

جایگاه حکمت در مدینه فاضله از منظر افلاطون و فارابی چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. حقیقت حکمت نزد افلاطون و فارابی چیست؟

۲. مدینه فاضله و مؤلفه‌های آن از دیدگاه افلاطون چیست؟

۳. مدینه فاضله و مؤلفه‌های آن از دیدگاه فارابی چیست؟

۴. وجوه تشابه و تمایز مدینه فاضله در چارچوب اندیشه افلاطون و فارابی چیست؟

فرضیه‌های تحقیق:

حکمت به عنوان عنصر بنیادین در مدینه فاضله افلاطون و فارابی می‌باشد. در حقیقت حکمت موجب می‌گردد اهالی مدینه به سعادت واقعی نائل شوند. جامعه‌ای که این دو فیلسوف بزرگ در قالب آرمان‌شهر خود مطرح کرده‌اند، جامعه‌ای حکمت محور است. در این اجتماع، کسی شایستگی حاکمیت و زمامداری را پیدا می‌کند که جان خود را از مبانی حکمی سیراب کرده، به معنای واقعی کلمه حکیم باشد. چنین شخصی می‌تواند با بهره‌گیری از دانش و آگاهی حکمی و فضائل نفسانی خود، شهروندان مدینه را در رسیدن به سعادت و کمال حقیقی راهنمایی کند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

این پژوهش به شیوه مطالعه و گردآوری محتوا از روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای و تطبیقی آن‌ها با مد نظر قرار دادن نظر کارشناسان و متخصصان اندیشه فلسفی و سیاسی انجام گرفته است.

گفتار دوم: معرفی مختصر افلاطون

یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه جهان و خصوصاً یونان باستان، افلاطون است. وی در آتن و به احتمال قوی در سال ۴۲۸/۴۲۷ ق.م در یک خانواده متشخص آتنی متولد شد. این‌گونه که نقل شده، نام اصلی وی آریستوکلس بوده و بعدها به مناسبت پیکر تنومندش نام افلاطون به او داده شده است. نام پدرش آریستون و نام مادرش پریکتیونه بود. خواهرش خارمیدس و برادرزاده کریتیاس بود که هر دو از چهره‌های حکومت‌متنفذین (الیگارش‌ی، سی نفر جبار آتن) در سال ۴۰۴/۴۰۳ بودند. افلاطون از نسل اشرافی بود و در یک خانواده اشرافی بزرگ شد. وی در دوره درخشندگی فرهنگ آتنی می‌زیست و در نتیجه از فرهنگی عالی ویژه است.^۱

در حقیقت می‌توان زندگی افلاطون را به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول: دوره حیات سقراط

افلاطون از شاگردان وفادار سقراط بود و خصوصیات، آموزه‌ها و اندیشه‌های علمی و اخلاقی استادش، شخصیت وی را در مسیر تکامل و تعالی جهت‌دهی کرد. در آخرین محاوره‌های زندگی طولانی افلاطون، تحسین‌انگیزترین تصویرها از سقراط مشاهده می‌شود که این خود حکایت از دل‌بستگی و احترام او نسبت به استادش دارد. چرا که سقراط برای او الگو و سرمشق فیلسوف راستین بود.^۲

۱. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۸، ج ۱،

ص ۱۵۶

۲. والتر ترنس استیس، تاریخ انتقادی فلسفه یونان، ترجمه یوسف شاقول، انتشارات دانشگاه مفید، تابستان ۸۵، ص ۱۶۳

از آن جا که بستگان افلاطون در الیگارشی بودند، به وی اصرار کردند تحت حمایت آنان وارد زندگی سیاسی شود. لیکن سیاست‌های ظالمانه و متجاوزانه الیگارشی باعث شد تا افلاطون از آنان متنفر و بیزار شود. البته لازم به ذکر است که گردانندگان حکومت عامه (دموکرات‌ها) بهتر نبودند. زیرا علت قتل سقراط، آنان بودند و به همین جهت، افلاطون اندیشه کار سیاسی را رها کرد.^۱

دوره دوم: پس از مرگ سقراط

پس از مرگ سقراط، زندگی افلاطون وارد فصل جدیدی شد و آن آغاز مسافرت‌هایش بود. وی آتن را به قصد مگارا ترک کرد و با اقلیدس فیلسوف که در حال پی‌ریزی مکتب مگارایی بود، ملاقات نمود. نقل قول‌هایی از سفر او به کورنه و ایتالیا و مصر است. اما آنچه یقینی است، این است که در چهل سالگی ایتالیا و سیسیل (صقلیه) را دیده است.^۲

دوره سوم: بازگشت به آتن

آخرین دوره زندگی افلاطون را می‌توان بازگشت دوباره او به آتن و تاسیس آکادمی دانست. آکادمی را می‌توان نخستین دانشگاه دنیا نامید. چرا که تحقیقات و پژوهش‌های وسیعی در علوم مختلف مانند فلسفه، ریاضیات، اخترشناسی و علوم طبیعی در آن جا انجام می‌شد.

هدف افلاطون از تاسیس آکادمی، تعلیم مسائل انتزاعی صرف نبود. بلکه پروردن سیاست-مداران و حاکمان شجاع بود که بدون هیچ‌گونه واژه‌ای در ارتباط با عقاید مبتنی بر حقایق جاوید و لایتغیر عمل خواهند کرد. افلاطون علاوه بر سرپرستی و رهبری آکادمی خود درس‌هایی

۱. فردریک کاپلستون، پیشین، ص ۱۵۷

۲. همان، ص ۱۵۷

می‌داد و شنوندگان از این درس‌ها یادداشت برمی‌داشتند. وی در آتن به فعالیت‌های خود تا پایان عمر در سال ۳۴۸/۳۴۷ ادامه داد.^۱

آثار افلاطون

_ آپولوژی: دفاعیه سقراط در دادگاه محاکمه‌اش (Apology)

_ کریتون (اقریطون) (Crito) سقراط همچون شهروند نیکی نمایش داده می‌شود که علی‌رغم محکومیت غیر عادلانه‌اش، حاضر است در راه اطاعت از قوانین کشور از حیات خود صرف نظر کند. کریتون و دیگران راه فرار از زندان را به او پیشنهاد کردند و برای این کار پول فراهم ساختند. اما سقراط اعلام می‌کند که می‌خواهد بر اصول خود استوار و ثابت قدم بماند.

_ اتوفرون (Euthyphron) سقراط در انتظار محاکمه خود به اتهام بی‌دینی است.

_ گرگیاس (Corgias) سیاست‌مدار عملی - عدالت به هر قیمت

_ منون (Meno) آموختنی بودن فضیلت با توجه به نظریه مثالی تصحیح شده است.

_ اتودموس (Euthydemus) در مخالفت با مغالطات منطقی سوفسطائیان متأخر

_ فیدون (Phaedo) مثل و فنا ناپذیری

_ جمهوری (Republic)

_ فدروس (Phaedrus) ماهیت عشق، امکان خطابه فلسفی، سه جزئی بودن نفس

_ پارمنیدس (Parmenides) دفاع از نظریه مثالی در مقابل انتقاد

۱. همان، ص ۱۶۰-۱۵۸

_ سوفسطائی (Sophistes) نظریه مثل دوباره بررسی شده است.

_ مرد سیاسی (Politicus) حاکم راستین (دانا) است.

_ فیلبوس (Philebus) رابطه با لذت با خیر^۱

_ قوانین

البته لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر با توجه به محوریت حکمت در آرمان شهر

افلاطونی، بیشترین استفاده از آثار جمهوری، مرد سیاسی و قوانین خواهد بود.

۱. همان، ص ۱۶۸-۱۶۹

گفتار سوم: معرفی مختصر فارابی

أبونصر فارابی که نام کاملش أبو نصر محمد بن محمد بن طرخان اوزلوغ است، در دهکده وسیج از توابع شهرستان فاراب، به سال ۲۵۹ ه.ق / ۸۷۳ م متولد شد. شهر فاراب در بالای رود سیحون قرار دارد که از شهرهای ترک‌نشین بود و اهالی آن از قرن سوم هجری به اسلام گرویدند.^۱

درباره نژاد فارابی اختلافاتی وجود دارد، به طوری که والترز و ابن ابی أصیبعه فارابی را ترک-نژاد و در مقابل دبور نعمه فارابی را ایرانی‌تبار و از خانواده‌ای پارسی برمی‌شمارند. البته هیچ نشانه‌ای که انتساب او را به نژاد ترک تایید کند، در آثار او مشاهده نمی‌شود، لیکن باید توجه داشت که "طرخان" و "اوزلوغ" هر دو از اسامی ترکی هستند.^۲

شاید بتوان گفت که دو واقعه در زندگی فارابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اولین واقعه عزیمت وی به مدینه السلام و تعلیم و تعلم او در حوزه فلسفی مکتب بغداد است که سبب تسلط وی بر فلسفه یونانی افلاطونی، مشائی و نوافلاطونی شد.

دومین حادثه، ترک بغداد به مقصد دمشق بود. فارابی در اواخر عمر خویش دعوت سیف-الدوله حمدانی، حاکم شیعی مذهب حلب را قبول کرد و به آنجا هجرت نمود.^۳ البته در خصوص علت و چرایی ترک بغداد نقل‌ها و اختلافاتی وجود دارد که به جهت اختصار آن‌ها را ذکر نمی‌کنیم.

۱. ابن خلکان، محمد بن محمد، وفيات الأعیان، ج ۱ و ۲، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۰۰ به بعد

۲. فرناز ناظرزاده کرمانی، فلسفه سیاسی فارابی، انتشارات دانشگاه الزهراء، سال ۱۳۷۶، ص ۶

۳. همان، ص ۷